



سیر تحول ناامیدی و امید در جامعه ایران براساس فیلم‌های سینمایی؛ رویکردی زبانی و شناختی

مهرداد مشکین‌فام^{*۱}

مهرداد نغزگوی کهن^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه سیر تحول «ناامیدی» و «امید» در حدود پنجاه سال گذشته، از دهه ۵۰ تا ۹۰ شمسی، در جامعه ایران از رهگذر فیلم‌های سینمایی است که بازتاب واقعیت اجتماعی هر جامعه‌ای هستند و بیشترین تعداد و طیف مخاطب را دارند. در واقع، به‌دنبال استعاره‌ها و ساخت‌های زبانی رمزگذار ناامیدی و امید در پیکره منتخب این پژوهش، متشکل از شش فیلم پر فروش هر دهه، براساس کووچس (۲۰۲۰) و یافته‌های دستور ساختی هستیم. با مقایسه بسامد وقوع این استعاره‌ها و ساخت‌ها در طی این دوره پنجاه‌ساله، به میزان کاهش یا افزایش ناامیدی و امید در جامعه ایران و با تحلیل کیفی آن‌ها به الگوی شناختی امید ایرانیان در گذر زمان پی‌می‌بریم. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که به‌طور کلی احساس «ناامیدی» در جامعه ایران با شدت بسیار قابل ملاحظه و ثابت در حدود پنجاه سال گذشته افزایش یافته است. همچنین، در مورد الگوی شناختی امید، می‌توان اظهار داشت که ایرانیان «ناامیدی» را «ناتوانی» و در مقابل «امید» را «پویایی» و «تکیه به خداوند» می‌پندارند.

کلیدواژه‌ها: ناامیدی، امید، استعاره، ساخت زبانی، جامعه ایران، فارسی.

#. این اثر تحت حمایت مادی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) برگرفته شده از طرح شماره «۴۰۱۳۳۵» انجام شده است.

✉ m.meshkinfam@alumni.basu.ac.ir

۱- پژوهشگر پسادکتری زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا*

✉ mehrdad.kohan@basu.ac.ir

۲- استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

۱- مقدمه

اخیراً، بسیاری از افراد در جامعه ایران اعتقاد دارند که انسان، امروز بسیار ناامیدتر از گذشته است و اغلب جوانان را ناامید و بی‌انگیزه می‌خوانند؛ این مسئله در جامعه بسیار زیاد یادآوری می‌شود. در همین راستا، برای نمونه خبرگزاری مهر در تاریخ ۴ تیر ۱۳۹۸ می‌نویسد: ”مسئله «ناامیدی اجتماعی» در جامعه ما وضعیتی نگران‌کننده دارد“^۱ و به همین شکل، خبرگزاری تسنیم در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۴۰۰ عنوان می‌کند: ”مشکلات معیشتی که مردم با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، فضای یأس و ناامیدی را در جامعه ایجاد کرده است.“^۲

همین «ناامیدی»^۳ یا انتظارات منفی در مورد آینده و نارضایتی از شرایط موجود، هیجانی است که زیرمجموعه هیجان اصلی غم قرار دارد و عامل اصلی خودکشی‌های روزانه و تفکر خودکشی به حساب می‌آید (بک و همکاران^۴، ۱۹۷۵؛ وتزل و همکاران^۵، ۱۹۸۰؛ فرگوسن و همکاران^۶، ۲۰۰۳؛ ژانگ و همکاران^۷، ۲۰۱۵). علاوه بر این، شیوع بیماری افسردگی در جامعه، رخوت موجود در افراد و فقدان عزت نفس از دیگر پیامدهای ناامیدی هستند (فرگوسن و همکاران^۸، ۲۰۰۳؛ نولن‌هوکسما و هیلت^۹، ۲۰۰۹؛ تندون و سلومون^{۱۰}، ۲۰۰۹).

بر این اساس، اکنون که فرضیه «ناامیدتر شدن جامعه ایران در گذر زمان» به علت وجود مشکلات متفاوت اجتماعی و سیاسی، از جمله مشکلات اقتصادی در ذهن افراد جامعه و پژوهشگران به صورت گسترده نقش بسته است، جای خالی مطالعه علمی این مهم خالی است. این پژوهش، اولین پژوهشی است که به مطالعه ناامیدی و امید (hopefulness) در جامعه ایران و تحولات آن از دیدگاه علوم شناختی، در حقیقت زبان‌شناسی شناختی، می‌پردازد. زیرا، امید و ناامیدی در مقام یک حوزه اجتماعی - شناختی برخلاف اهمیت بسیار، در موارد اندکی در طول تاریخ علم، حوزه مطالعاتی پژوهشگران بوده است (اختر^{۱۱}، ۲۰۱۵؛ ۲۰۱۷). مخصوصاً در حوزه ناامیدی این پژوهش‌ها انگشت‌شمار هستند؛ در تمام پژوهش‌های فریود^{۱۱}، دو نمونه پژوهش خاص این حوزه مطالعاتی می‌توان یافت (گاتمن و همکاران^{۱۲}، ۱۹۸۰) و در تمام مقالات حلقه روان‌شناختی^{۱۳} در تاریخ صدوشانزده ساله روان - تحلیلی^{۱۴}، شش مقاله با عنوان «ناامیدی» قابل مشاهده

۱. این خبر به‌طور کامل در نشانی <https://www.mehrnews.com/news/4607602/> قابل مشاهده است.

۲. خبر کامل در نشانی <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/03/10/2513232> در دسترس است.

3. Hopelessness
4. Beck and et al.
5. Wetzel and et al.
6. Fergusson and et al.
7. Zhang and et al.
8. Nolen-Hoeksema and Hilt
9. Tandon and Solomon
10. Akhtar
11. Freud
12. Guttman and et al.
13. PEP web
14. Psychoanalysis

است (اختر، ۲۰۱۷: ۱۱۵). در مطالعات زبان‌شناختی نیز در حوزه امید و ناامیدی، پژوهش‌های اندکی مشاهده می‌شود. در زبان فارسی این مهم در مورد زبان طبیعی هیچ‌گاه مورد بررسی قرار نگرفته است و فقط چند پژوهش در حوزه زبان ادبی در این خصوص وجود دارند (قوام و هاشمی، ۱۳۹۱؛ نوریان، ۱۳۹۹؛ ایران‌زاده و عرش‌اکمل، ۱۳۹۸؛ قبادی و کلاهچیان، ۱۳۸۶؛ ناصری و قریشی، ۱۳۹۲). در زبان‌های دیگر نیز مطالعه امید و ناامیدی در زبان طبیعی، به‌جز در چند پژوهش هم‌زمانی مورد توجه پژوهشگران نبوده است (لیکاف و همکاران^۱، ۱۹۹۱؛ کویبگی و کریسچنسن^۲، ۲۰۰۸؛ تیساری^۳، ۲۰۱۷؛ شارپچ^۴، ۲۰۲۰). البته، مطالعات امید در گونه ادبی دیگر زبان‌ها نیز مورد توجه بوده است (برای مثال، رویز^۵، ۲۰۰۷؛ کایرنز^۶، ۲۰۲۰).

زبان در مقام ابزار ارتباطی خاص جوامع بشری، در هر جنبه‌ای از زندگی انسان، ایفای نقش می‌کند و کاربرد آن در بیان احساسات انسانی نیز، همچون غم، شادی، خشونت و غیره بر همگان آشکار است. در واقع، زبان بازنمون الگوهای ذهنی و شناختی^۷ افراد از محیط پیرامون یا به‌عبارتی حاصل شناخت و تعاملات اجتماعی است (لنگکر^۸، ۱۹۸۷). یعنی، هنگامی که مفهومی^۹ در جامعه انسانی وجود داشته باشد، در زبان به‌طور قطع رمزگذاری^{۱۰} می‌شود. بنابراین، مفاهیم امید و ناامیدی، به‌عنوان هیجانات یا احساسات انسانی در زبان به‌طور مستقیم بازتاب دارند. با بررسی طریقه رمزگذاری مفاهیم ناامیدی و امید در زبان و تحولات میزان رمزگذاری آن‌ها در گذر زمان، می‌توان این عامل اجتماعی - شناختی را از دیدگاه الگوهای شناختی مورد مطالعه قرار داد و تحولات جامعه را از این منظر بررسی کرد. به‌منظور روشن‌تر شدن این بحث، جمله‌های زیر از فارسی معیار که رمزگذاری مفهوم ناامیدی در آن‌ها واضح است، آورده شده‌اند:

(۱) جای زیست و گریز نبود (چوبک، ۱۳۹۵: ۵۰).

در این جمله (۱)، «جهان» به‌مثابه «زندان» است که قابلیت پویایی و پیشرفت در آن وجود ندارد. در نمونه زیر نیز:

(۲) مردم روحیه خود را باخته بودند (هدایت، ۱۳۳۰: ۸۲)

«روحیه» به‌مثابه «بازی» در نظر گرفته شده که از دست رفته است. در این راستا، از ابزارهای شناختی‌ای که می‌توان از آن‌ها برای مطالعه امید و ناامیدی و میزان تغییرات آن‌ها در جامعه بهره برد، استعاره مفهومی^{۱۱}

1. Lakoff and et al.
2. Quigley and Christianson
3. Tissari
4. šarič
5. Ruiz
6. Cairns
7. Cognitive
8. Langacker
9. Concept
10. Codifying
11. Conceptual Metaphor

(کووچش^۱، ۲۰۲۰) و ساخت‌های زبانی^۲ (براساس یافته‌های دستور ساختی)^۳ رمزگذار مفهوم ناامیدی و امید هستند.

پیکره زبانی منتخب این پژوهش، سینمای ایران است. زیرا، فیلم‌های سینمایی، یکی از بهترین منابع موجود به منظور بررسی زبان، فرهنگ و وضعیت اجتماعی یک جامعه هستند. به این علت که، فیلم بازتاب زبان، تفکر و شرایط اجتماعی حاکم بر هر جامعه‌ای، یا به عبارتی نشئت گرفته از واقعیت اجتماعی در هر مقطع زمانی است. همان طور که، جاروی^۴ (۱۹۷۰: ۱۰۳) اظهار می‌دارد: برای نفوذ به لایه‌های درونی جامعه، به غیر از پژوهش‌های میدانی، هیچ چیز به اندازه بررسی و تحلیل فیلم‌های سینمایی که در آن جامعه تولید و نمایش داده می‌شوند، ارزشمند نیست. بر این اساس، در این پژوهش از رهگذر زبان فیلم‌های سینمایی در هر دهه به دنبال تجزیه و تحلیل استعاره‌ها و ساخت‌های ناامیدی و امید و بررسی سیر تحول بسامد وقوع آن‌ها در گذر زمان هستیم. در واقع، با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی استعاره و ساخت زبانی، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که «آیا جامعه ایران نسبت به گذشته، از دهه ۵۰ تا پایان دهه ۹۰، ناامیدتر یا امیدوارتر شده است و این که الگوی شناختی ناامیدی و امید ایرانیان چیست؟»

این پژوهش علاوه بر بخش حاضر که مقدمه است، شامل چهار بخش دیگر نیز می‌شود. بخش دوم، به مفاهیم ناامیدی و امید و ابزارهای زبانی استخراج این مفاهیم اختصاص دارد. بخش سوم متعلق به روش انجام پژوهش است. در بخش چهارم، تحلیل داده‌ها انجام شده است و در نهایت این پژوهش در بخش پنجم با نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

۲- ابزارهای زبانی استخراج مفاهیم ناامیدی و امید

در این بخش، لازم است ابتدا تعریفی از «امید» و «ناامیدی» به دست دهیم تا مشخص شود که دقیقاً در پی مطالعه چه احساساتی هستیم. سپس، استعاره و معیارهای تشخیص آن به تفصیل تشریح شود. پس از آن، به این مهم پردازیم که مراد از ساخت زبانی چیست. به علاوه، این مواد زبانی، یعنی استعاره‌ها و ساخت‌های «ناامیدی/ امید»، لازم است تا از پیکره زبانی منتخب این پژوهش استخراج شوند، بنابراین در این بخش به معرفی پیکره زبانی منتخب این پژوهش نیز می‌پردازیم.

۲-۱- امید و ناامیدی

تعاریف گوناگون از «امید» (برای مثال، هوول و لارسن^۵، ۲۰۱۵: ۱۹؛ لازاروس^۶، ۱۹۹۹: ۶۵۳) ویژگی‌های اصلی این مهم را باز می‌شناسند که عبارتند از: یک اعتقاد آینده‌محور، آرزو و تصور یک نتیجه با ارزش، اما

1. Kövecses
2. Linguistic constructions
3. Construction Grammar
4. Jarvie
5. Howell and Larsen
6. Lazarus

نامعلوم. لازاروس (۱۹۹۱: ۲۸۵) تأکید می‌کند که امید نه با یک عمل واضح پیوند خورده است و نه با معیارهای روان-فیزیک‌شناختی قابل تشخیص است؛ بلکه، یک "فرآیند شناختی مقابله‌ای" است. علاوه بر احساس و مقابله، امید همچنین به‌عنوان شناخت، منش، حالت و فضیلت تعریف می‌شود (سیندر^۲، ۲۰۰۲). در کل، امید را می‌توان توانایی ادراک شده فرد به‌منظور نیل به اهداف دانست که دارای دو مؤلفه انگیزه^۳ و انرژی مسیر^۴ می‌شود (سیندر و همکاران، ۱۹۹۱). طبق این تعاریف، امید انتظارات مثبت نسبت به آینده با توجه به شرایط زندگی فرد و کل جهان است. وجود احساس امید بالا در انسان منجر به شادی بیشتر (جوی‌باری و شریفی^۵، ۲۰۱۵)، رضایت از زندگی بیشتر (برانک و همکاران^۶، ۲۰۰۹)، افزایش معنای زندگی (فلدمن و سیندر^۷، ۲۰۰۵)، عمل‌کرد علمی بهتر (راند^۸، ۲۰۰۹)، افزایش کیفیت زندگی وابسته به سلامتی (مارتینز و همکاران^۹، ۲۰۱۸) و سلامت ذهنی و جسمی بیشتر (بارنت^{۱۰}، ۲۰۱۴) می‌گردد.

در مقابل، «ناامیدی»، یک نظام طرح‌واره‌ای شناختی است که مهم‌ترین ارزش آن انتظارات منفی در مورد آینده است (بک و همکاران، ۱۹۷۴: ۸۶۴). در واقع، ناامیدی بازتاب از دست دادن استقلال نفس به‌علت ناتوانی فرد در تأمین رضایت خود است (اختر، ۲۰۱۵: ۱۰)؛ به‌عبارتی، نارضایتی انسان از شرایط موجود، بعد دیگر ناامیدی است. بر این اساس، جنبه دیگر امید، رضایت فرد از شرایط موجود است. مهم‌ترین پیامد ناامیدی علاوه بر شیوع بیماری افسردگی در جامعه، رخوت موجود در افراد و فقدان عزت نفس (فرگوسن و همکاران، ۲۰۰۳؛ نولن‌هوکسما و هیلت، ۲۰۰۹؛ تندون و سلومون، ۲۰۰۹)، پدیده خودکشی است (ترویستر و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۵؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ لمیس و لستر^{۱۲}، ۲۰۱۳).

اگر چه دوگانه «امید/ناامیدی» اشتراکاتی با دوگانه «خوش‌بینی/بدبینی» دارد، اما این مفاهیم کاملاً متفاوت از یک‌دیگر هستند (فولر و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۷؛ راند، ۲۰۰۹). همان‌طور که مشخص است، هر دو مفهوم آینده‌محور و در انتظار نیل به هدف هستند، اما «امید/ناامیدی» ناآگاهانه و مشتق از درک خود است، در حالی که «خوش‌بینی/بدبینی» آگاهانه، وسیع‌تر و مشتق از ادراک محیط پیرامون (جهان) علاوه بر خود فرد است (شناهان^{۱۴}، ۲۰۱۸: ۱۰).

1. Cognitive coping process
2. Synder
3. Willpower
4. Waypower
5. Joybari and Sharifi
6. Bronk and et al.
7. Feldman and Synder
8. Rand
9. Martins and et al.
10. Barnett
11. Troister and et al.
12. Lamis and Lester
13. Fowler and et al.
14. Shanahan

قطعاً رشد امید و ناامیدی در انسان معلول وجود امید و ناامیدی در جامعه است (ارجمندنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸). یکی از تقسیم‌بندی‌هایی که برای امید و ناامیدی برشمرده‌اند، به شرح زیر است:

۱. امید و ناامیدی شخصی: برگرفته از حالات روحی و روانی انسان است،
۲. امید و ناامیدی سیاسی- اجتماعی: محصول تغییرات خاص جامعه و انعکاس متقابل تلافی اجتماع، انسان و نگرش انسان به جامعه است،
۳. یأس فلسفی: اعتقاد به پوچش و بیهودگی انسان و جهانش و سازگاری با اصول موجود در زندگی بدون ارائه جانشینی برای آن (ارجمندنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۶-۱۱۷).

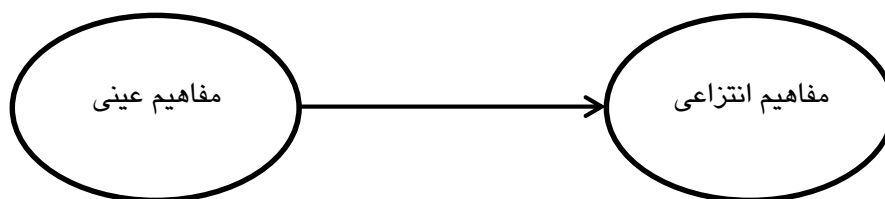
امید و ناامیدی فردی و اجتماعی، دارای رابطه دوسویه و تعاملی هستند. بسیار اندک احتمال دارد که امید و ناامیدی فردی با جامعه در ارتباط نباشد، زیرا انسان موجودی اجتماعی است. در امید و ناامیدی، مسئله بینا فردیت اهمیت دارد و نه فردیت (قانع‌راد، ۱۳۹۶). به عبارتی، امید و ناامیدی سیاسی- اجتماعی، امید و ناامیدی شخصی را نیز دربر می‌گیرد و شکل می‌دهد. در نتیجه، در این پژوهش امید و ناامیدی سیاسی- اجتماعی مورد توجه است.

۲-۲- استعاره

منظور از استعاره مفهومی، مجموعه‌ای از تناظرها بین یک حوزه مبدأ عینی‌تر (فیزیکی‌تر) و یک حوزه مقصد انتزاعی‌تر است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ کووچش، ۲۰۰۲؛ ۲۰۱۰). هاینه و همکاران^۱ (۱۹۹۱: ۴۸) سلسله مراتبی از حوزه‌ها را معرفی می‌کنند که از راست به چپ از میزان عینی‌تر بودن آن‌ها کاسته می‌شود:

۳) شخص (اعضای بدن) < شیء < فعالیت و وضعیت < مکان < زمان < کیفیت

بر این اساس، می‌توان از مفاهیم عینی‌تر برای مفهوم‌سازی مفاهیم انتزاعی‌تر براساس رابطه شباهت به صورت استعاری بهره برد. شکل زیر نمایانگر سازوکار استعاره است (مشکین فام، ۱۳۹۹: ۷۵):



شکل ۱: سازوکار استعاره

کووچش (۲۰۲۰) اظهار می‌دارد که مفهوم‌سازی استعاری باید در چهار سطح انجام گیرد؛ این چهار سطح عبارتند از:

1. Heine and et al.

۱- طرح‌واره تصویری^۱، ۲- حوزه^۲، ۳- چارچوب^۳ و ۴- فضای ذهنی^۴. او برای نمونه، با بهره‌گیری از بخشی از غزل ۱۸ شیکسپیر، به بررسی استعاره «عشق» می‌پردازد:

4) Shall I compare thee to a summer's day?
Thou art more lovely and more temperate:
Rough winds do shake the darling buds of May,
And summer's lease hath all too short a date;
Sometime too hot the eye of heaven shines,
And often is his gold complexion dimmed;

آیا قیاست کنم با یک روز تابستانی؟

تو دوست داشتنی‌تر و معتدل‌تری:

جوانه‌های عزیز ماه می را بادهای خشن می‌لرزاند،

و عجیب کوتاه است این تابستان؛

گاهی بیش از حد گرم، چشم آسمان می‌درخشد،

و اغلب رنگ‌وروی چهره طلایی‌اش تیره می‌شود؛

در زیر، چهار سطح تحلیل استعاری که کووچش (۲۰۲۰: ۴۷) برای استعاره «عشق» پیشنهاد می‌کند، آمده است:

۱- طرح‌واره تصویری:

نیرو گرما / سرما است.

۲- حوزه:

احساس دما است: نیروی احساس درجه گرما / سرما است.

۳- چارچوب:

عشق آتش است: نیروی عشق درجه گرمای آتش است.

۴- فضای ذهنی:

عمل کرد در نیروی عشق شاعر عمل کرد در درجه گرمای یک روز تابستانی است.

همان‌طور که مشخص است، در این تحلیل استعاری حرکت از یک استعاره کلی به سمت طرح‌واره‌های خاص‌تر از بالا به پایین است؛ این ویژگی، «سلسله‌مراتب طرح‌واره‌های^۵» نامیده می‌شود. به‌طور کلی، استعاره‌ها در گفتار طبیعی در سطح فضاهای ذهنی رخ می‌دهند (کووچش، ۲۰۲۰: ۴۹).

احساسات از مقولات انتزاعی هستند که بسیار زیاد با بهره‌گیری از استعاره مفهومی رمزگذاری می‌شوند. به‌طور کلی، احساسات در ذهن به شکل مفهومی در مقام الگوهای شناختی یا شناختی- فرهنگی بازنمایی

1. Image schema
2. Domain
3. Frame
4. Mental space
5. Schematicity hierarchy

می‌شوند. یک احساس خاص می‌تواند به وسیله یک یا چند الگوی شناختی- فرهنگی که سرنمون آن احساس هستند، بازنمایی شود. این نظریات از رُش^۱ (۱۹۷۸) نشئت می‌گیرد که اظهار می‌دارد: مقولات اعضای بسیاری دارند و یک یا چند عضو سرنمون‌اند و مابقی غیر سرنمون. اعضای سرنمون مقوله‌های احساس با بهره‌گیری از الگوهای شناختی سرنمون بازنمایی می‌شوند، در حالی که، اعضای غیر سرنمون با الگوهای غیر سرنمون بازنمایی می‌شوند. نظریه احساسات را کووچش (۲۰۰۰) به صورت زیر (راست به چپ) ارائه می‌دهد:

۴) علت احساس ← احساس ← کنترل احساس ← پاسخ

به عبارتی، یک علت باعث ایجاد یک احساس می‌شود و این احساسات که در انسان به وجود می‌آید منجر به تولید پاسخ‌هایی خاص می‌گردد. معمولاً محدودیت‌های اجتماعی خاصی وجود دارند که کدام پاسخ‌ها از لحاظ اجتماعی پذیرفتنی هستند. جوامع متفاوت سازوکارهای کنترل متفاوتی بر احساسات دارند. این نظریه کووچش (۲۰۰۰)، از کاربرد استعاره مفهومی «علت‌ها نیروها هستند» مشتق می‌شود و ما در این نظریه احساسات را به عنوان طرح‌واره‌های «نیرو» مفهوم‌سازی می‌کنیم. بنابراین، بنیادی‌ترین درک ما از احساسات، الگوی نیرو- پویا است که از تجربیات اولیه انسان در زندگی روزمره مشتق می‌شود.

مسئله‌ای که در این جا لازم است به آن بپردازیم، نحوه تشخیص عبارات‌های استعاری در زبان است. در این پژوهش، به منظور تشخیص استعاره از «روش شناسایی استعاره» گروه پراگل‌جاز^۲ (۲۰۰۷) بهره خواهیم برد. به طور خلاصه، آن‌ها فرآیندی چهارمرحله‌ای برای تشخیص ساخت‌های استعاری در زبان به صورت زیر معرفی می‌کنند:

۱- کل متن یا کلام را بخوانید تا به درک کلی از معنای آن برسید،

۲- واحدهای واژگانی متن را مشخص کنید،

۳- الف) برای هر واحد واژگانی درون متن، معنای بافتی آن را مشخص کنید،

ب) معنای پایه‌ای‌تر هر واحد واژگانی را در سایر بافت‌ها مشخص کنید،

ج) ببینید آیا معنای بافتی با معنای پایه در تقابل و آیا در مقایسه با آن قابل درک است،

۴- اگر این چنین است، آن واحد زبانی را به عنوان واحد استعاری مشخص کنید (پراگل‌جاز، ۲۰۰۷: ۳؛ کووچش، ۱۳۹۳: ۱۶-۱۷).

برای نمونه، در زیر به مراحل تشخیص استعاره نامیدی در جمله «با تو دارم می‌پوسم» (هامون، ۱۳۸: ۱۸: ۰۰) پرداخته‌ایم:

۱) کل فیلم، بعد از رونویسی خوانده شد. برای نمونه، جمله «با تو دارم می‌پوسم» انتخاب گردید.

۲) واحدهای واژگانی این نمونه، یعنی «با»، «تو»، «دارم»، «می‌پوسم» و «من» حذف‌شده، مشخص

شد.

1. Rosch
2. Pragglejaz

۳) معنای بافتی واحدهای واژگانی در مرحله ۲ به‌ترتیب عبارتند از: «به‌همراه»، «دوم شخص مفرد»، «نمود استمراری»، «ازبین‌رفتن» و «اول شخص مفرد». همچنین، مشخص است که «دارم» معنای پایه‌ای‌تر یا عینی‌تر «مالکیت و داشتن» چیزی را دارد و «پوسیدن» نیز معنای عینی‌تر «فاسدشدن یا کهنه‌شدن» را در خارج از بافت می‌رساند.

۴) از آن‌جا که این دو معنای بافتی با معانی غیربافتی‌شان در تقابل‌اند و در مقایسه با آن‌ها ساده‌تر قابل درک‌اند، می‌توان اظهار داشت که این دو کلمه در جمله مذکور کاربرد استعاری دارند. اکنون که این استعاره استخراج شد، براساس کووچش (۲۰۲۰)، به چهار سطح تحلیل این استعاره «نامیدی» می‌توان پرداخت و استعاره «نامیدی خرابی است» را به‌دست داد.

۲-۳- ساخت زبانی

اکنون، بیش از دو دهه می‌گذرد که پژوهشگران به رویکردهای ساخت‌بنیان^۱ به زبان توجه ویژه‌ای داشته‌اند (برای مثال، گلدبرگ^۲، ۲۰۰۶؛ لنگر، ۲۰۰۵؛ کرافت^۳، ۲۰۰۱؛ لیکاف، ۱۹۸۷). اخیراً، گوناگونی‌ها و تغییرات زبانی در موارد بسیاری با بهره‌گیری از این رویکرد مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای نمونه، هلمن^۴ (۲۰۰۳)، هلمن و سیویرسکا^۵ (۲۰۰۷) و هیلپرت^۶ (۲۰۰۸) پژوهش‌های خود را بر یافته‌های دستور ساختی استوار ساخته‌اند.

در حال حاضر، تنها یک نظریه دستور ساختی وجود ندارد؛ بلکه، تمام رویکردهای ساخت‌بنیان که مفهوم ساخت و مفاهیم بنیادین آن را پذیرفته‌اند، نوعی دستور ساختی^۷ نام دارند (هافمن و ترازدال^۸، ۲۰۱۱: ۴). بنابراین، می‌توان این رویکردها را خانواده رویکردهای ساختی^۹ نامید.

در دستور ساختی، در همه سطوح دستوری با ساخت سروکار داریم. منظور از ساخت، صورت و معناهای (یا نقش‌های گفتمانی) جفت‌شده متعارف است (گلدبرگ، ۲۰۰۶: ۵؛ هافمن و ترازدال، ۲۰۱۱: ۲)؛ مانند تکواژها، کلمات، اصطلاحات^{۱۰}، جمله‌ها، الگوهای عبارتی کلی نیمه‌پرسده با واژگان که اصطلاحات ساختی^{۱۱} نیز نامیده می‌شود و غیره. علاوه بر این، والیما-بلوم^{۱۲} (۱۹۹۳) آهنگ^{۱۳} را نیز یک مشخصه ممیز ساخت معرفی

1. Construction-based
2. Goldberg
3. Croft
4. Hollman
5. Hollman and Siewierska
6. Hilpert
7. Construction Grammar
8. Hoffmann & Trousdale
9. Constructionist approaches
10. Idioms
11. Constructional idioms
12. Välimaa-Blum
13. Intonation

می‌کند؛ بنابراین، ساخت شامل ویژگی‌های نوایی^۱ نیز می‌شود. در نظریه دستور ساختی، با انتزاع‌سازی^۲ مواجه هستیم؛ به این معنا که گویشوران از مجموعه‌ای از ساخت‌های عینی که الگوی مشابهی دارند به طرحواره‌هایی انتزاعی در ذهن دست می‌یابند. نمونه‌ای صرفی در زیر ارائه شده است (بویی^۳، ۲۰۱۰: ۲):

6) buy	←→	buyer	‘خریدار’
eat	←→	eater	‘خورنده’
shout	←→	shouter	‘فریادزننده’
walk	←→	walker	‘راه‌رونده’

رابطه بین کلمه‌هایی که در دو ستون بالا قابل مشاهده هستند، رابطه جانشینی^۴ است. این کلمه‌های فهرست شده در (۱۹) به‌طور تدریجی، به طرحواره‌ای انتزاعی در ذهن گویشوران انگلیسی‌زبان به‌صورت زیر تبدیل می‌شود (بویی، ۲۰۱۰: ۲):

7) [X]_{vi}er]_{Nj} ←→ [کسی که انجام دهنده فعل است]

این طرحواره نشان‌دهنده معنا و صورت اسامی مشتق شده از فعل در انگلیسی است. هنگامی که این طرحواره در ذهن گویشور شکل می‌گیرد، از این پس با جایگزین کردن متغیر «X» با نمونه‌ای عینی، می‌توان به اسم‌های جدید مشتق شده از افعال رسید. در واقع، خود طرحواره، الگویی برای تولید مواد زبانی جدید واقع می‌شود.

اگر ساختی براساس پراگل‌جاز (۲۰۰۷) استعاری نباشد، طبق دستور ساختی در زمره ساخت‌های زبانی، یعنی صورت و معناهای جفت‌شده متعارف قرار می‌گیرد؛ همانند، «ان‌شالله همشون سالم و زنده باشن (لیلا، ۰۰:۳۹:۴۳)» که در آن هر واحد واژگانی تنها یک معنا دارد و خارج از بافت دارای معنای دیگری نیست، به‌عبارتی با ساخت انتزاعی [X] (ان‌شاءالله) [enshālā] می‌توان امید را در آینده رمزگذاری کرد. در این پژوهش، علاوه بر استعاره‌های «نامیدی/امید»، به‌دنبال صورت و معناهای جفت‌شده یا ساخت‌های زبانی با معنای «انتظارات منفی/ مثبت نسبت به آینده و رضایت / عدم رضایت از شرایط موجود» هستیم.

۲-۴- بیکره منتخب پژوهش

داده‌های این پژوهش، در هر دهه از ابتدای دهه ۵۰ تا انتهای دهه ۹۰ به‌شیوه هدفمند تصادفی از پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمایی (راسخ‌مهند و همکاران، ۱۳۹۵) استخراج شده است. این پنج دهه که نزدیک‌ترین دوره معاصر به زمان حال هستند و ویژگی‌های آن‌ها بیشترین اهمیت و تأثیر را در زندگی کنونی انسان دارند، از دهه پنجاه به بعد براساس رخدادهای شاخص سیاسی-اجتماعی عبارتند از: دهه انقلاب، دهه

1. Prosody
2. Abstraction
3. Booij
4. Paradigmatic

جنگ، دهه بازسازی، دهه اصلاحات و دهه پس از اصلاحات، در هر دهه، ۶ فیلم و در مجموع ۳۰ فیلم مورد بررسی قرار گرفت. از دهه ۵۰، فیلم‌های «تنگنا»، «در امتداد شب»، «رگبار»، «سوته دلان»، «کندو» و «گوزن‌ها» برگزیده شده‌اند. به همین ترتیب، فیلم‌های منتخب دهه ۶۰ عبارتند از: «آن سوی آتش»، «خانه دوست کجاست»، «دونده»، «گلنار»، «عروس» و «هامون». فیلم‌های منتخب دهه ۷۰، «اعتراض»، «روسی آبی»، «عینک دودی»، «قرمز»، «لیلا» و «ناصرالدین شاه آکتور سینما» هستند. فیلم‌های «ارتفاع پست»، «بید مجنون»، «جدایی نادر از سیمین»، «درباره الی»، «سنتوری» و «یک تکه نان» از دهه ۸۰ انتخاب شدند و در دهه آخر، یعنی ۹۰، فیلم‌های منتخب عبارتند از: «استراحت مطلق»، «بارکد»، «شیار ۱۴۳»، «فروشنده»، «لونه زنبور» و «نهنگ عنبر».

۳- روش انجام پژوهش

در این پژوهش، به شیوه ترکیبی کمی و کیفی، به مطالعه میزان تغییرات «امید» و «ناامیدی» در جامعه ایران از دهه ۵۰ تا ۹۰ شمسی از رهگذر زبان پرداخته‌ایم. در واقع، به دنبال استعاره‌ها و ساخت‌های رمزگذار «ناامیدی» و «امید» در پیکره منتخب، براساس چارچوب نظری این پژوهش بوده‌ایم. به عبارتی، تمامی ساخت‌های زبانی استعاری یا غیراستعاری که اشاره به انتظارات مثبت نسبت به آینده و رضایت از شرایط موجود (امید) یا انتظارات منفی نسبت به آینده و نارضایتی از شرایط موجود (ناامیدی) دارند را استخراج کردیم. پس از استخراج تمامی ساخت‌های استعاری و غیراستعاری مبین «امید و ناامیدی»، بسامد وقوع آن‌ها را در هر دهه با بهره‌گیری از ابزارهای آماری کمی میانگین و درصد فراوانی نسبی به دست دادیم. لازم به ذکر است که استعاره‌ها و ساخت‌های زبانی امید رمزگذار انتظارات منفی، هم در بین ساخت‌های استعاری و غیراستعاری ناامیدی و هم امید منظور شده‌اند. در مرحله بعد، با مقایسه بسامد وقوع این استعاره‌ها و ساخت‌ها در طی این دوره ۵۰ ساله، به میزان کاهش یا افزایش امید در جامعه ایران پی بردیم. با بهره‌گیری از نمودارها و جدول‌ها این میزان بسامد وقوع را نشان داده‌ایم تا روند کلی این تغییرات آشکار شود. در نهایت، الگوی شناختی امید، در ذهن گویشوران ارائه شد. منظور از الگوی شناختی این مهم است که فارسی‌زبانان در طی این ۵۰ سال از چه حوزه‌های عینی و ساخت‌های زبانی برای مفهوم‌سازی احساسات امید و ناامیدی بهره برده‌اند یا به عبارتی امید و ناامیدی را به مثابه چه می‌پندارند. با بررسی بسامد وقوع این حوزه‌های عینی و ساخت‌های زبانی، می‌توان اظهار داشت که در هر دهه کدام حوزه عینی و ساخت زبانی بیشترین نقش را در مفهوم‌سازی این احساسات داشته است یا به عبارت دیگر، انسان در جامعه ایران چه دیدگاهی نسبت به احساسات ناامیدی و امید در هر دهه دارد. در این پژوهش، برای ارجاع‌دهی به فیلم‌ها، ابتدا نام فیلم و سپس زمان رخداد مواد زبانی مستخرج ذکر شده است و به منظور بازنویسی مواد زبانی فیلم‌ها، از خط عامیانه بهره برده‌ایم. مراد از خط عامیانه، رونویسی داده‌های گفتاری با بهره‌گیری از خط فارسی و بازتاب تلفظ دقیق در آن است (مشکین فام و نغزگوی کهن، ۱۴۰۱).

۴- تحلیل داده‌ها

در بخش حاضر، ابتدا به بررسی استعاره‌های ناامیدی و سپس امید در بخش (۴-۱) می‌پردازیم. در بخش (۴-۲) ساخت‌های زبانی ناامیدی و امید ارائه می‌شوند.

۴-۱- استعاره‌های ناامیدی و امید در فیلم‌های سینمایی

در این بخش، ابتدا نمونه‌هایی از استعاره‌های مبین ناامیدی، از فیلم‌های سینمایی، از دهه ۵۰ تا ۹۰ ارائه می‌گردند:

- ناامیدی ناتوانی است:

- (۸) من می‌گم نرم تو می‌گی بدوش؟ (کندو، ۰۰:۱۰:۰۲).
 (۹) به خدا سنگینه برام، نمی‌تونم واقعا نمی‌کشم (جدایی نادر از سیمین، ۰۰:۳۳:۴۱).

- ناامیدی تنهایی است:

- (۱۰) دورو برم خیلی خالی شده بود (گوزن‌ها، ۰۰:۲۱:۵۹).
 (۱۱) امروز پنجاه‌ساله می‌شم و کسی و ندارم بهم تبریک بگه (نهنگ عنبر، ۰۰:۰۰:۴۲).

- ناامیدی ناخوشی است:

- (۱۲) قلبت شکسته آه آه (هامون، ۰۱:۳۹:۰۰).
 (۱۳) چرا نشسته‌ای کر شده‌اید کور شده‌اید (ناصرالدین شاه اکتور سینما، ۰۰:۳۰:۴۰).

- ناامیدی اشک است:

- (۱۴) من که شبو روزم شده زاری (تنگنا، ۰۰:۱۵:۳۶).
 (۱۵) ای کاش من مرده بودم این خفت و زاری رو نمیدیدم (ارتفاع پست، ۰۱:۱۵:۴۷).

- ناامیدی مرگ است:

- (۱۶) اون ازدواج یعنی خودکشی (عروس، ۰۰:۱۱:۲۰).
 (۱۷) سینا از نظر من یه آدم مرده‌ست (عینک دودی، ۰۰:۳۱:۲۹).

- ناامیدی خرابی است:

- (۱۸) فتنه‌ها ریختن تو رودخونه و دارن خونه می‌کنن (گلنار، ۰۰:۰۶:۴۶).
 (۱۹) کسی چه می‌دونه من تو این سال‌ها با چه حسرتی این زندگی نکبتی رو تحمل کردم (بید مجنون، ۰۱:۱۰:۴۴).

- ناامیدی اسارت است:
 - (۲۰) برو که گرفتار شدم (گلنار، ۲۰:۰۶:۰۰).
 - (۲۱) همه دنیا چهاردیواریه (اعتراض، ۲۶:۰۵:۰۰).
- ناامیدی رنگ سیاه است:
 - (۲۲) به‌جای نورو روشنی در تاریکی ظلمت فرو رفتم (بید مجنون، ۲۳:۰۷:۰۰).
 - (۲۳) توی شب‌ات ستاره نیست (سنتوری، ۱۰:۳۸:۰۰).
- ناامیدی ازدست‌دادن مالکیت است:
 - (۲۴) سوی چشم رفت دختر (گلنار، ۵۶:۰۱:۰۰).
 - (۲۵) من بهترین سال‌های عمرمو ازدست دادم (بید مجنون، ۱۲:۱۱:۰۱).
- ناامیدی سکون است:
 - (۲۶) همین‌طوری چمباته زدین که چی پای همتون گیره بدبختا (کندو، ۴۹:۳۸:۰۱).
 - (۲۷) ما اینجا نشستیم دست‌رودست گذاشتیم کاسه چه کنم دست گرفتیم (شیار ۱۴۳، ۳۳:۳۷:۰۰).
- ناامیدی جهت پایین است:
 - (۲۸) شانس زنده موندنش خیلی کمه (در امتداد شب، ۳۸:۳۶:۰۱).
 - (۲۹) دارم فرو می‌رم به هیچی اعتماد ندارم اعتقاد ندارم (هامون، ۲۲:۲۴:۰۰).
- ناامیدی سوختن است:
 - (۳۰) همه چی تموم شد دود شد رفت هوا (آن سوی آتش، ۴۰:۱۱:۰۰).
 - (۳۱) تو جوونی داره می‌سوزه و پرپر می‌زنه، حالیشم نیست (روسری آبی، ۱۸:۳۸:۰۰).
- ناامیدی شیء است:
 - (۳۲) آخه آدم به‌خاطر ناامیدی بی‌کسی بی‌پولی بی‌چارگی خودکشی می‌کنه؟ (بارکد، ۳۶:۰۰:۰۱).
 - (۳۳) یا خدا تمام امیدم ناامید شد (شیار ۱۴۳، ۰۰:۴۵:۰۰).
- ناامیدی ناعلاجی است:
 - (۳۴) تو این دواخونه هیچ دارویی نبود برام (سوته دلان، ۱۴:۳۸:۰۰).
 - (۳۵) علاج تو هم فقط مردنه (عروس، ۴۹:۱۲:۰۱).
- ناامیدی بی‌پناهی است:
 - (۳۶) دربه‌در منم، از خودتم، منم تو پیاده‌روها بزرگ شدم منم تو جويا خوابیدم (کندو، ۴۳:۵۶:۰۰).

(۳۷) شدم به آدم کُش بی خانمان تنها (بارکد، ۰۰:۳۹:۶۰).

• ناامیدی اسم خاص است:

(۳۸) ما که دنیامون شده آخرت یزید (سوته دلان، ۰۰:۴۱:۵۶).

(۳۹) خانه را کرده اند صحرای کربلا (سوته دلان، ۰۰:۰۳:۴۲).

• ناامیدی پایان است:

(۴۰) منو به غروب کشوندی (گلنار، ۰۰:۰۱:۵۵).

(۴۱) کارش از این حرفا گذشته (روسری آبی، ۰۰:۱۹:۵۰).

• ناامیدی عدم دارایی است:

(۴۲) نه عشقی نه مردی نه کاری نه تشویقی نه حتی تلویزیونی (گوزن ها، ۰۱:۰۶:۰۷).

(۴۳) هیچی واسه ازدست دادن ندارم (بارکد، ۰۱:۳۲:۳۴).

• ناامیدی سرما است:

(۴۴) تنهایی جونوم یخ میکنه (سوته دلان، ۰۰:۲۰:۱۹).

(۴۵) لیلا حس می کنم سرد شدی (لیلا، ۰۰:۴۸:۰۵).

• ناامیدی جهت عقب است:

(۴۶) رضا داره بچه می شه هوای بزرگیشو داشته باش (اعتراض، ۰۱:۲۶:۴۲).

(۴۷) ولی یه روزی میفهمی خیلی دیره (بارکد، ۰۰:۰۲:۱۸).

• ناامیدی پیری است:

(۴۸) پیر شدم پیر تو ای جوونی (سنتوری، ۰۱:۱۶:۲۸).

(۴۹) نوکه اومد به بازار کهنه شد دل آزار (عینک دودی، ۰۰:۴۹:۳۰).

• ناامیدی حیوان است:

(۵۰) چرا تا چشتون به ما می یوفته فک می کنید از صبح تا شب مثل حیوون می زنیم تو سر زنو بچه مون

(جدایی نادر از سیمین، ۰۱:۲۴:۰۴).

(۵۱) بابا یه خورده انسان باشین (لونه زنبور، ۰۱:۲۳:۱۲).

• ناامیدی تلخی است:

(۵۲) یه پایان تلخ بهتر از یه تلخی بی پایانه (درباره الی، ۰۰:۲۱:۲۷).

• ناامیدی باختن است:

(۵۳) من زندگی‌مو باختم حاج آقا (جدایی نادر از سیمین، ۲۰:۱۲:۰۱).

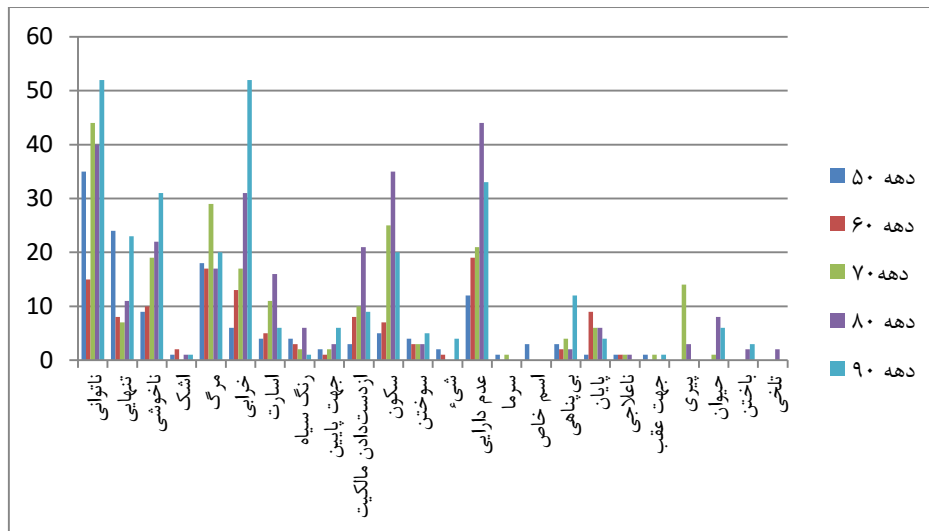
(۵۴) تو باختی حامد همه چی رو باختی (بارکد، ۵۰:۲۱:۰۰).

در زیر، جدول بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های ناامیدی در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰ آورده شده است:

جدول ۱: بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های ناامیدی در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

فراوانی نسبی	مجموع	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	دهه حوزه مبدأ
%۱۷/۸۱	۱۸۶	۵۲	۴۰	۴۴	۱۵	۳۵	ناتوانی
%۷	۷۳	۲۳	۱۱	۷	۸	۲۴	تنهایی
%۸/۷۱	۹۱	۳۱	۲۲	۱۹	۱۰	۹	ناخوشی
%۰/۴۷	۵	۱	۱	۰	۲	۱	اشک
%۹/۶۷	۱۰۱	۲۰	۱۷	۲۹	۱۷	۱۸	مرگ
%۱۱/۳۹	۱۱۹	۵۲	۳۱	۱۷	۱۳	۶	خرابی
%۴/۰۲	۴۲	۶	۱۶	۱۱	۵	۴	اسارت
%۱/۵۳	۱۶	۱	۶	۲	۳	۴	رنگ سیاه
%۱/۳۴	۱۴	۶	۳	۲	۱	۲	جهت پایین
%۴/۸۸	۵۱	۹	۲۱	۱۰	۸	۳	از دست دادن مالکیت
%۸/۸۱	۹۲	۲۰	۳۵	۲۵	۷	۵	سکون
%۱/۷۲	۱۸	۵	۳	۳	۳	۴	سوختن
%۰/۶۷	۷	۴	۰	۰	۱	۲	شیء
%۱۲/۳۵	۱۲۹	۳۳	۴۴	۲۱	۱۹	۱۲	عدم دارایی
%۰/۱۹	۲	۰	۰	۱	۰	۱	سرما
%۰/۲۸	۳	۰	۰	۰	۰	۳	اسم خاص
%۲/۲۰	۲۳	۱۲	۲	۴	۲	۳	بی‌پناهی
%۲/۴۹	۲۶	۴	۶	۶	۹	۱	پایان
%۰/۳۸	۴	۰	۱	۱	۱	۱	ناعلاجی
%۰/۲۸	۳	۱	۰	۱	۰	۱	جهت عقب
%۱/۶۲	۱۷	۰	۳	۱۴	۰	۰	پیری
%۱/۴۳	۱۵	۶	۸	۱	۰	۰	حیوان
%۰/۴۷	۵	۳	۲	۰	۰	۰	باختن
%۰/۱۹	۲	۰	۲	۰	۰	۰	تلخی

در زیر، برای نمایش واضح‌تر، نمودار مقایسه‌ای بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های ناامیدی در گذر زمان، از دهه ۵۰ تا ۹۰ قابل مشاهده است:



نمودار ۱: مقایسه بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های ناامیدی در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

همان‌طور که از جدول و نمودار بالا برمی‌آید، در دهه‌های ۵۰ و ۷۰، حوزه مبدأ «ناتوانی» و در دهه‌های ۶۰ و ۸۰، «عدم دارایی» بیشترین بسامد وقوع را نشان می‌دهند. به این معنا که در دهه انقلاب و بازسازی، انسان خود را در جامعه ایران متأثر از شرایط اجتماعی، «ناتوان» می‌بیند. در دهه جنگ، جامعه ایران خود را «بدون دارایی» می‌پندارد و همچنین در دهه اصلاحات، انسان باز هم خود را در جامعه ایران «بدون دارایی» می‌داند. در دهه ۹۰، تصویری که افراد از جامعه و خود دارند، «خرابی» و «ناتوانی» است. به این معنا که انسان جهان را «ازبین‌رفته» و خود را «ناتوان» در این جهان می‌پندارد.

با بهره‌گیری از نمودار زیر، به مقایسه درصد فراوانی نسبی ۲۴ حوزه مبدأ مفهوم‌سازی استعاره‌های ناامیدی در مجموع پنج دهه مذکور در فیلم‌های سینمایی می‌پردازیم تا مشخص شود که کدام حوزه مفهوم‌سازی استعاری، بیشترین بسامد وقوع را از دهه ۵۰ تا ۹۰ در جامعه ایران به خود اختصاص می‌دهد:

۶۰) هر اتفاقی بیفته حاجیت کنارت ته (بارکد، ۴۱:۰۰:۰۰).

• امید سلامتی است:

۶۱) این چینی شکسته از تو گرفته پیوند (در امتداد شب، ۲۷:۰۰:۰۴).

۶۲) توجشات نگاه اومده دست وتنت سرجاش اومده (اعتراض، ۳۴:۰۷:۰۱).

• امید پناه است:

۶۳) طوفان حریف من نیست وقتی تو ناخدایی (در امتداد شب، ۱۳:۰۰:۰۵).

۶۴) اگه دنیا به تو پشت کرده من عین کوه پشتتم (بارکد، ۴۵:۱۶:۰۱).

• امید بیداری است:

۶۵) بیداری زندگیه نه خواب (در امتداد شب، ۵۸:۱۴:۰۰).

• امید تنفس است:

۶۶) حالا می‌خوام واسه خودم قدم روبرم نفس بکشم تو زنا بلولم (کندو، ۵۶:۴۷:۰۰).

۶۷) هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است (در امتداد شب، ۱۹:۳۴:۰۰).

• امید شیء است:

۶۸) چه خوبه دلامون از امید پره (سنتوری، ۴۰:۰۰:۰۸).

۶۹) این خبر کافیه که ما امیدوار بشیم (بید مجنون، ۲۴:۱۷:۰۰).

• امید دارایی است:

۷۰) آینده رو داره دوستشم داره هیچم ازش نمی ترسه (عروس، ۳۷:۱۰:۰۰).

۷۱) این همه زندگی منه آقا، زندگیمو به من دادین (فروشنده، ۰۳:۴۸:۰۱).

• امید پیروزی است:

۷۲) من از کنار خیلی چیزا رد شدم خودمو نباختم (گوزن‌ها، ۵۰:۱۸:۰۰).

• امید زندگی است:

۷۳) خب آدم زنده باید زندگی کنه دیگه (عروس، ۴۵:۱۲:۰۱).

۷۴) می‌فهمیدی آدمی که زندس و نفس می‌کشه چقدر خوشبخته (۲۹:۱۳:۰۱).

• امید جهت جلو است:

۷۵) هنوز مونده چشم به راه (گلنار، ۴۸:۵۴:۰۰).

۷۶) اگر بر پیش‌برد زمانه اثر کند آن وقت به وصال آتیه می‌رسی (ناصرالدین شاه اکتور سینما، ۰۰:۲۸:۳۱).

- امید شروع است:

۷۷) برای من تازه همه چی از امروز شروع شده (آن سوی آتش، ۰۰:۱۱:۵۲).

- امید توانایی است:

۷۸) من تازه دارم جون می‌گیرم (سنتوری، ۰۱:۴۰:۲۹).

۷۹) این مردم همیشه در تاریخ قهرمان بودند و قهرمان خواهند بود (ارتفاع پست، ۰۰:۳۳:۱۴).

- امید آزادی است:

۸۰) آرزوم بود شما را آزاد ببینم (اعتراض، ۰۰:۰۸:۲۷).

۸۱) آخه دارم یه جایی میرم که بعدش آزادیه (عینک دودی، ۰۰:۰۶:۲۷).

- امید جهت بالا است:

۸۲) نمیدونی چقدر حالم خوب شده انگار می‌خوام پرواز کنم (لیلا، ۰۰:۳۶:۵۰).

۸۳) کمرمو راست کردی (شیار ۱۴۳، ۰۱:۱۳:۰۶).

- امید نور است:

۸۴) من قدر روشنایی رو بیشتر از دیگرون می‌دونم (بید مجنون، ۰۰:۱۸:۳۷).

۸۵) من مادرم دلش روشن بود که یونس برمی‌گرده (شیار ۱۴۳، ۰۰:۴۵:۳۷).

- امید جوانی است:

۸۶) تو هنوز جوونی خیلی وقت واسه زندگی کردن داری (عینک دودی، ۰۰:۵۹:۳۸).

۸۷) شما دو تا جوونید سال دیگه یه بچه دیگه (جدایی نادر از سیمین، ۰۱:۰۶:۳۰).

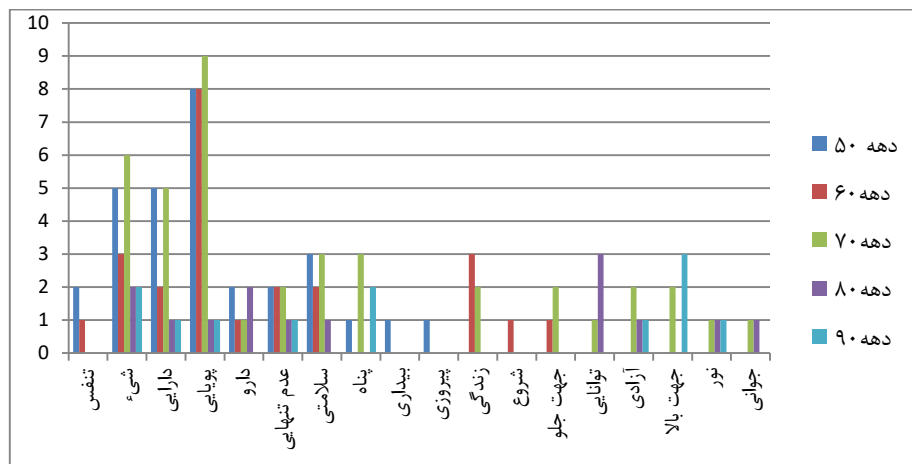
جدول زیر بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های امید را در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰ نشان

می‌دهد:

جدول ۲: بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

فرآوانی نسبی	مجموع	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	دهه / حوزه مبدأ
۲/۵٪	۳	۰	۰	۰	۱	۲	تنفس
۱۵٪	۱۸	۲	۲	۶	۳	۵	شیء
۱۱/۶۶٪	۱۴	۱	۱	۵	۲	۵	دارایی
۲۲/۵٪	۲۷	۱	۱	۹	۸	۸	پویایی
۵٪	۶	۰	۲	۱	۱	۲	دارو
۶/۶۹٪	۸	۱	۱	۲	۲	۲	عدم تنهایی
۷/۵٪	۹	۰	۱	۳	۲	۳	سلامتی
۵٪	۶	۲	۰	۳	۰	۱	پناه
۰/۸۳٪	۱	۰	۰	۰	۰	۱	بیداری
۰/۸۳٪	۱	۰	۰	۰	۰	۱	پیروزی
۴/۱۶٪	۵	۰	۰	۲	۳	۰	زندگی
۰/۸۳٪	۱	۰	۰	۰	۱	۰	شروع
۲/۵٪	۳	۰	۰	۲	۱	۰	جهت جلو
۳/۳۳٪	۴	۰	۳	۱	۰	۰	توانایی
۳/۳۳٪	۴	۱	۱	۲	۰	۰	آزادی
۴/۱۶٪	۵	۳	۰	۲	۰	۰	جهت بالا
۲/۵٪	۳	۱	۱	۱	۰	۰	نور
۱/۶۶٪	۲	۰	۱	۱	۰	۰	جوانی

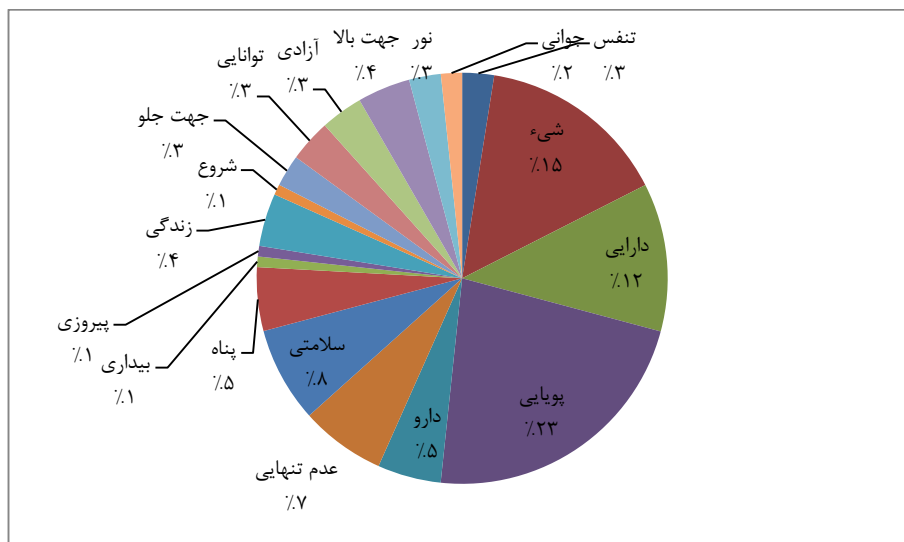
نمودار (۳)، مقایسه بسامد وقوع هر یک از حوزه‌های مبدأ استعاره‌های امید را از دهه ۵۰ تا ۹۰ به صورت تصویری به نمایش گذاشته است:



نمودار ۳: مقایسه بسامد وقوع حوزه‌های مبدأ استعاره‌های امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

بر اساس نمودار بالا، در هر سه دهه انقلاب، جنگ و بازسازی، «پویایی» در مقام پربسامدترین حوزه مبدأ مفهوم‌سازی «امید» قرار گرفته است. یعنی، انسان در هر سه دهه مذکور در جامعه ایران، امید به حرکت و در واقع تغییر شرایط را دارد. در دهه بازسازی، این تمایل بنا بر شرایط موجود جامعه بیشتر است. در دهه ۸۰، دهه اصلاحات، حوزه مبدأ «توانایی» نقش پربسامدترین حوزه مبدأ در مفهوم‌سازی امید در جامعه ایران را بازی می‌کند. در این دهه، احساسات مثبت انسان نسبت به آینده، احساس «توانایی» یا به عبارتی «قدرت» است. در دهه پس از اصلاحات، دهه ۹۰، طرحواره جهتی «بالا» نقش پربسامدترین حوزه مبدأ مفهوم‌سازی «امید» را در جامعه ایران دارد.

نمودار زیر، مقایسه درصد فراوانی نسبی ۱۸ حوزه مبدأ مفهوم‌سازی استعاره‌های امید را در مجموع پنج دهه مذکور در فیلم‌های سینمایی ممکن می‌سازد تا مشخص شود که کدام حوزه مفهوم‌سازی استعاری بیشترین بسامد وقوع را از دهه ۵۰ تا ۹۰ در جامعه ایران داراست:



نمودار ۴: مقایسه درصد فراوانی نسبی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

طبق نمودار بالا، پربسامدترین حوزه مبدأ مفهوم‌سازی استعاری امید از دهه ۵۰ تا ۹۰ در جامعه ایران از منظر فیلم‌های سینمایی، «پویایی» است و پس از آن دیگر حوزه‌های پربسامد قابل ملاحظه، به ترتیب «شیء»، «دارایی»، «سلامتی»، «عدم تنهایی»، «پناه»، «دارو»، «زندگی» و «بالا» هستند. حوزه‌های استعاری دیگر همان‌طور که در نمودار بالا قابل مشاهده است، بسامد وقوع کم‌تر از ۴٪ را به خود اختصاص می‌دهند.

۴-۲- ساخت‌های نامیدی و امید در فیلم‌های سینمایی

در این بخش، ابتدا نمونه‌هایی از ساخت‌های زبانی رمزگذار نامیدی، از فیلم‌های سینمایی، از دهه ۵۰ تا ۹۰ ارائه می‌شوند^۱:

• [heyf = e [X]]: (حیف)

(۸۸) حیف دوست داشتن کسی که شایستگی دوست داشتن نداره (در امتداد شب، ۵۸:۳۱).

• [mote'asef(am) ke [X]]: (که) (متأسفم)

(۸۹) متأسفم از این که نسل بدبخت ما باید بتی مثل تو داشته باشند (در امتداد شب، ۱۲:۳۲:۰۰).

(۹۰) متأسفم که برآش بچه نمی‌شه (جدایی نادر از سیمین، ۰۳:۵۲:۰۰).

در جدولی که در زیر آمده است، بسامد وقوع ساخت‌های نامیدی در حدود ۵۰ سال گذشته قابل رؤیت است:

جدول ۳: بسامد وقوع ساخت‌های نامیدی در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

مجموع	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	دهه
۱	۰	۰	۰	۰	۱	[heyf = e [X]]
۲	۰	۱	۰	۰	۱	[mote'asef(am) ke [X]]

همان‌طور که مشخص است، طبق جدول فوق، ساخت‌های چندانی برای رمزگذاری احساس «نامیدی» در پیکره به‌کار نرفته است. در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و ۹۰ این مقدار صفر است. در دهه ۵۰، از هر مورد ۱ نمونه و در دهه ۸۰، از ساخت [mote'asef(am) ke [X]]، ۱ مورد یافت شد. براساس این میزان بسامد وقوع ساخت‌ها، نمی‌توان الگوی شناختی درستی براساس ساخت‌های زبانی برای نامیدی ارائه داد. همچنین، به‌علت محدود بودن بسامد وقوع ساخت‌های نامیدی در فیلم‌های سینمایی از ارائه نمودارهای بسامد وقوع و فراوانی نسبی خودداری شد. در ادامه، ساخت‌های زبانی امید از دهه ۵۰ تا ۹۰ در فیلم‌های سینمایی آورده شده است:

• [[X] enšālā (ان شاء الله) / enšālā (ان شاء الله)]:

(۹۱) حرومش بشه ان شاء الله (رگبار، ۰۲:۱۴:۰۱).

(۹۲) ان شاء الله یه روز هم دیگرو می‌بینیم (گوزن‌ها، ۱۹:۳۴:۰۱).

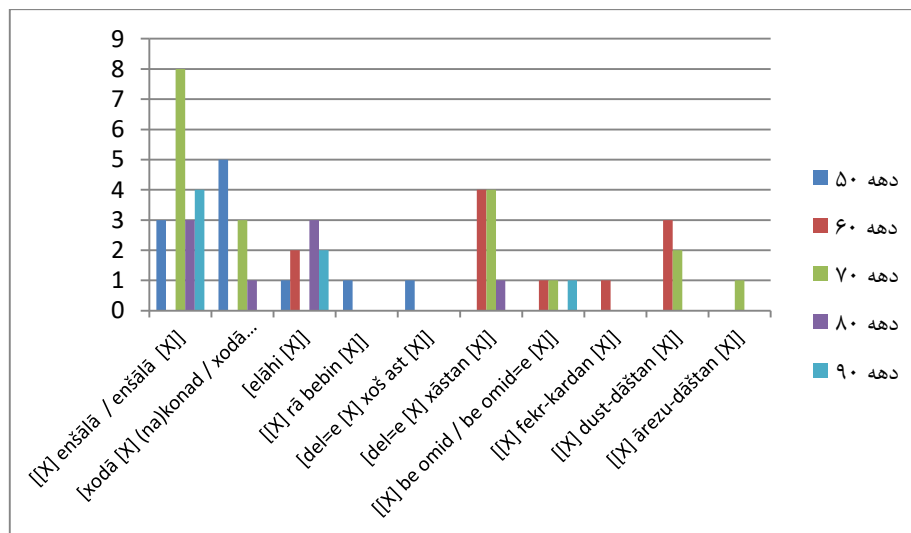
۱. در تمام ساخت‌های ارائه شده در این مقاله، «X» نماد متغیر و دیگر موارد در ساخت هم به‌صورت آوانگاری و هم خط فارسی آمده است. در ضمن، معنای تمام ساخت‌ها نامیدی یا امید است که در بخش مخصوص خود آمده است.

- [X]: [خدا نکند] (xodā (na)konad / [نکند] (na)konad [X] (خدا) [xodā]:
 - ۹۳ خدا کنه همه به یه سامونی برسن (گوزن‌ها، ۰۱:۵۷:۰۰).
 - ۹۴ خدا نکنه آدم ذلیل بشه (تنگنا، ۰۰:۳۴:۰۰).
 - [X]: [الهی] (elāhi) [X] / [الهی] (elāhi) [X]:
 - ۹۵ الهی پامون به زمین سفت برسه صلوات (ارتفاع پست، ۰۰:۲۱:۵۰).
 - ۹۶ دستت چلاق شه الهی (نهنگ عنبر، ۰۱:۱۱:۴۰).
 - [X]: [را ببین] (rā bebin) [[X]]:
 - ۹۷ مارو ببین رو کی شرط بستیم پسر تو باس بری گردوبازی (تنگنا، ۰۰:۰۳:۴۵).
 - [X]: [خوش است] (xoš ast) [X] [دل] [del=e]:
 - ۹۸ همش دلم خوشه یه روز یه طوری می‌شه دیگه (گوزن‌ها، ۰۱:۰۵:۴۷).
 - [X]: [خواستن] (xāstan) [X] [دل] [del=e]:
 - ۹۹ دلم می‌خواد بخوابم خواب بی‌بی‌مو ببینم (گلنار، ۰۰:۵۳:۲۰).
 - ۱۰۰ دلم می‌خواد اون زندگی که دوست دارمو داشته باشم (بید مجنون، ۰۱:۱۱:۴۹).
 - [X]: [به امید] (be omid) / [به امید] (be omid=e) [[X]]:
 - ۱۰۱ به امید حق، هر چیزی هم که بخواد ازش می‌گیره (عروس، ۰۰:۱۰:۴۸).
 - ۱۰۲ امیدت به خدا باشه (شیار ۱۴۳، ۰۰:۴۵:۰۹).
 - [X]: [فکر کردن] (fekr-kardan) [[X]]:
 - ۱۰۳ من یه موقعی فکر می‌کردم یه گهی میشم، ولی هیچ پخی نشدم (هامون، ۰۰:۲۴:۳۵).
 - [X]: [دوست داشتن] (dust-dāštan) [[X]]:
 - ۱۰۴ من اینقدر دوست دارم پیام (دونده، ۰۰:۰۸:۱۰).
 - ۱۰۵ دوست داشتی منو مادرم می‌مردیم تا سهم مارو نفله کنی نفله (آن سوی آتش، ۰۰:۰۸:۱۹).
 - [X]: [آرزو داشتن] (ārezu-dāštan) [[X]]:
 - ۱۰۶ آرزویی جز تو در سر ندارم (قرمز، ۰۱:۱۶:۱۷).
- همان‌طور که مشخص است، تعداد ساخت‌های رمزگذار «امید» بسیار بیشتر از ساخت‌های «نامیدی» است، این مهم در جدول زیر واضح است:

جدول ۴: بسامد وقوع ساخت‌های امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

فرآوانی نسبی	مجموع	۹۰	۸۰	۷۰	۶۰	۵۰	دهه / ساخت امید
٪۳۲/۱۴	۱۸	۴	۳	۸	۰	۳	[[X] enšālā / enšālā [X]]
٪۱۶/۱۲	۹	۰	۱	۳	۰	۵	[xodā [X] (na)konad / xodā (na)konad [X]]
٪۱۴/۲۸	۸	۲	۳	۰	۲	۱	[elāhi [X]]
٪۱/۷۸	۱	۰	۰	۰	۰	۱	[[X] rā bebin [X]]
٪۱/۷۸	۱	۰	۰	۰	۰	۱	[del=e [X] xoš ast [X]]
٪۱۶/۰۷	۹	۰	۱	۴	۴	۰	[del=e [X] xāstan [X]]
٪۵/۳۵	۳	۱	۰	۱	۱	۰	[[X] be omid / be omid=e [X]]
٪۱/۷۸	۱	۰	۰	۰	۱	۰	[[X] fekr-kardan [X]]
٪۸/۹۲	۵	۰	۰	۲	۳	۰	[[X] dust-dāštan [X]]
٪۱/۷۸	۱	۰	۰	۱	۰	۰	[[X] ārezu-dāštan [X]]

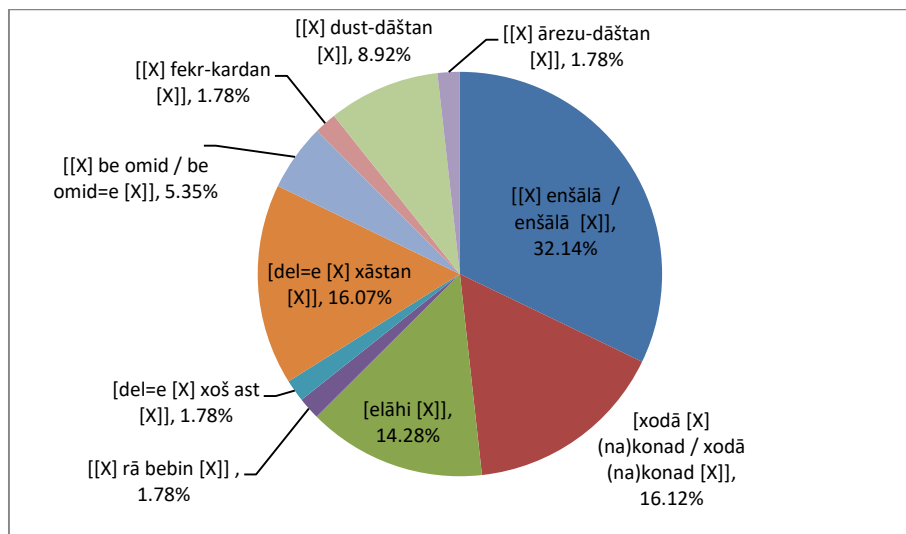
در نمودار (۵)، مقایسه بسامد وقوع ساخت‌های امید از دهه ۵۰ تا ۹۰ در فیلم‌های سینمایی به صورت واضح ممکن است:



نمودار ۵: مقایسه بسامد وقوع ساخت‌های امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

براساس جدول و نمودار بالا، در دهه‌های ۵۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ براساس ساخت‌ها زبانی، انسان در جامعه ایران امید دارد تا خداوند برای او کاری را انجام دهد و در دهه ۶۰، بیشتر آرزومند است تا اتفاقی بدون عاملی رخ دهد.

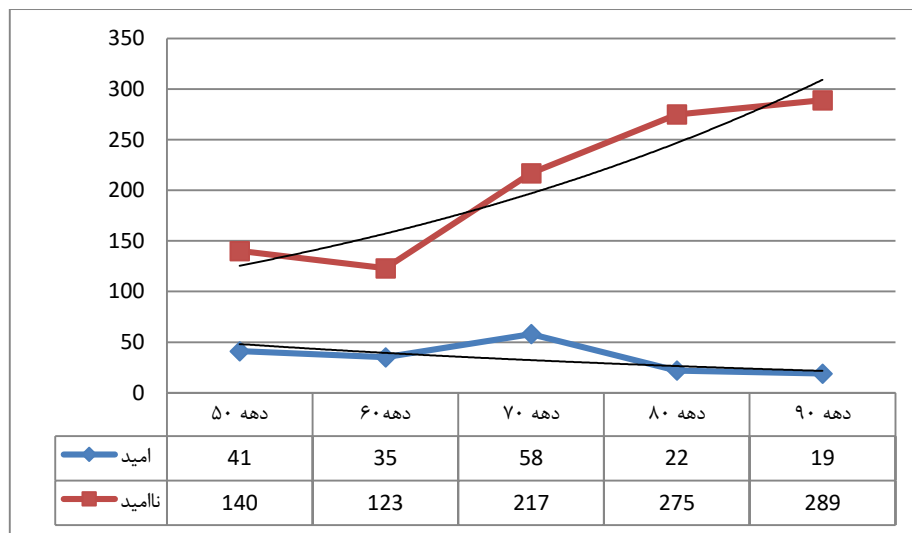
نمودار درصد فراوانی نسبی ساخت‌های امید از دهه ۵۰ تا ۹۰ در زیر، میزان کاربرد هر ساخت امید را در فیلم‌های سینمایی نشان می‌دهد:



نمودار ۶: مقایسه درصد فراوانی نسبی ساخت‌های امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

همان‌طور که در نمودار بالا مشخص است، انسان در جامعه ایران براساس ساخت‌های زبانی امید، به این مهم امید دارد تا خداوند برای او کاری را انجام دهد و بر این اساس، ساخت $[[X] \text{ enšālā} / \text{ enšālā} [X]]$ پرسامدترین ساخت زبانی در این حوزه است. براساس ساخت‌های زبانی امید مستخرج از فیلم‌های سینمایی، «امید» عبارت است از تکیه به خداوند برای حادث شدن اتفاقی، خود اراده به انجام کاری را داشتن و تکیه به موجودی دیگر برای رخدادی. در ادامه، به بررسی سیر تحول ناامیدی و امید در کل پیکره می‌پردازیم. به‌طور کلی، در فیلم‌های سینمایی دهه ۵۰، شاهد وجود ۱۴۰ مورد استعاره و ساخت ناامیدی و ۴۱ نمونه، استعاره و ساخت امید هستیم. در دهه ۶۰، کاهش ناچیز هر دو احساس ناامیدی و امید با وجود به‌ترتیب ۱۲۳ و ۳۵ مورد استعاره ناامیدی و استعاره و ساخت امید، قابل مشاهده است. در دهه ۷۰ نیز ساخت ناامیدی یافت نشد، اما تعداد استعاره‌های ناامیدی برابر با ۲۱۷ مورد و تعداد استعاره‌ها و ساخت امید ۵۸ مورد است. به همین ترتیب، در دهه ۸۰، استعاره‌ها و ساخت‌های ناامیدی افزایش یافته و به‌مقدار ۲۷۵ نمونه رسیده است، اما استعاره‌ها و ساخت‌های امید کم‌ترین میزان خود را نسبت به دهه‌های ماقبل، یعنی ۲۲ مورد تجربه کرده‌اند.

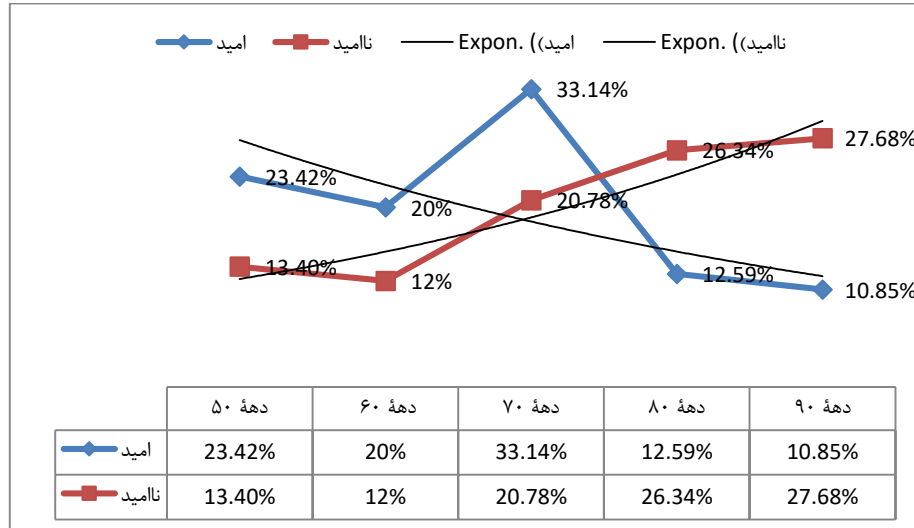
در دهه ۹۰، تعداد استعاره‌های ناامیدی به ۲۸۹ مورد و استعاره‌ها و ساخت‌های امید به ۱۹ مورد رسیده است. سیر تحول ناامیدی و امید در نمودار زیر به‌وضوح بازتاب یافته است:



نمودار ۷: سیر تحول بسامد وقوع ناامیدی و امید در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

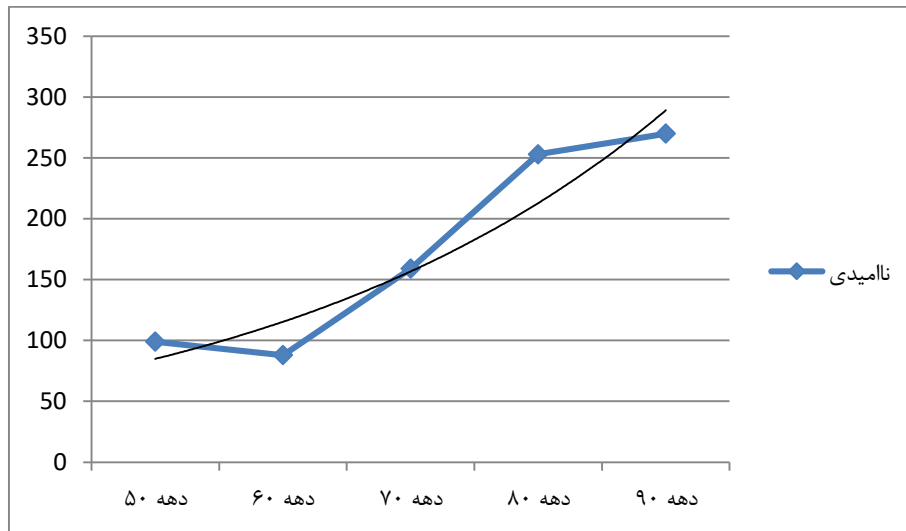
همان‌طور که از نمودار بالا برمی‌آید، از دهه ۵۰ تا ۶۰ هر دو احساس ناامیدی و امید با شیب نسبتاً یکسانی (البته، ناامیدی بیشتر) مقداری کاهش را در فیلم‌های سینمایی تجربه کرده‌اند. افزایش ناامیدی و امید در دهه ۷۰، در فیلم‌های سینمایی در نمودار بالا کاملاً مشهود و چشم‌گیر است؛ در دهه ۷۰، امید به‌میزان قابل توجهی نسبت به دهه ۶۰ افزایش داشته است. روند افزایش ناامیدی از دهه ۷۰ تا ۸۰ ادامه داشته است و علاوه بر افزایش میزان قابل توجه ناامیدی در جامعه، از میزان امید نیز به‌مقدار قابل توجهی کاسته شده است. این روند تغییرات، از دهه ۸۰ تا ۹۰ نیز قابل مشاهده است. به این صورت که باز هم با افزایش ناامیدی و کاهش امید در جامعه مواجه هستیم.

از آن‌جا که در مجموع، ۱۰۴۴ نمونه استعاره و ساخت ناامیدی و فقط ۱۷۵ مورد استعاره و ساخت امید در پیکره این پژوهش یافت شد، یعنی ۸۵/۶۴٪ ناامیدی و ۱۴/۳۵٪ امید، تفاوت بارز در فراوانی این دو احساس (ناامیدی / امید) مشاهده می‌شود. بنابراین، درصد فراوانی نسبی توانایی نشان‌دادن سیر تحول ناامیدی و امید را در گذر زمان ندارد، اما می‌تواند فراوانی نسبی هر یک از این احساسات، یعنی ناامیدی یا امید را به‌طور مجزا در هر دهه به‌دست دهد. نمودار درصد فراوانی نسبی این استعاره‌ها و ساخت‌ها در ادامه آمده است:



نمودار ۸: سیر تحول ناامیدی و امید براساس درصد فراوانی نسبی در فیلم‌های سینمایی از دهه ۵۰ تا ۹۰

با توجه به نمودار بالا، به‌طور کلی سیر افزایشی ناامیدی و کاهش امید در جامعه ایران از دهه ۵۰ تا ۹۰ از منظر فیلم‌های سینمایی طبق خط‌های گرایش نمودار کاملاً روشن است. اگر جزئی‌تر و به تفکیک به این نمودار بنگریم، فقط در دهه‌های ۵۰ و ۷۰، به‌میزان کمی وجود و افزایش امید را در جامعه مشاهده می‌کنیم. اما، در مورد ناامیدی، به‌جز دهه ۶۰ که در آن مقدار بسیار ناچیزی از ناامیدی کاسته شده است، مابقی دهه‌ها ناامیدی بسیاری را تجربه کرده‌اند. اما، با این نمودارها هنوز به این پرسش که «آیا جامعه ایران از دهه ۵۰ تا ۹۰ ناامیدتر یا امیدوارتر شده است؟»، پاسخی نداده‌ایم، زیرا همان‌طور که ذکر شد، فراوانی استعاره‌ها و ساخت‌های ناامیدی در هر دهه بسیار بیشتر از استعاره‌ها و ساخت‌های امید است، بنابراین اگر بخواهیم پاسخ این پرسش را بدهیم لازم است مقدار ناامیدی را در هر دهه با ارزش منفی (-) و احساس مقابل آن، یعنی امید را با ارزش مثبت (+) در نظر بگیریم. میزان افتراق این دو احساس، در هر دهه میزان ناامیدی و امید موجود در آن دهه را مشخص می‌کند و سیر تحولات این احساسات را در گذر زمان به‌طور واضح به‌تصویر می‌کشد. در زیر، نمودار افتراق این دو احساس در گذر زمان براساس بسامد وقوع قابل مشاهده است:



نمودار ۹: سیر تحول ناامیدی در جامعه ایران

به طور کلی براساس خط گرایش نمودار بالا که ارزش ناامیدی یا منفی است، پاسخ به پرسش پژوهش مثبت است و فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد، یعنی جامعه ایران نسبت به گذشته، از دهه ۵۰ تا ۹۰، با شدت بسیاری ناامیدتر شده است. اما، تنها در دهه ۶۰، برخلاف وجود پدیده جنگ، میزان اندکی کاهش ناامیدی نسبت به دهه ۵۰ در جامعه ایران مشاهده می‌شود. این مهم را می‌توان از دو دیدگاه تشریح کرد: یکم، تأثیر پدیده سانسور از اواخر دهه پنجاه بر جامعه (همچنین رک. راسخ‌مهند و همکاران، ۱۳۹۵) و سینمای ایران؛ در این راستا، حیدری (۱۳۹۵) اظهار می‌دارد که تنها توعی که دولت از سینمای دهه ۶۰ داشت این بود که کاری به موضوع‌های حاد و حساسیت‌برانگیز نداشته باشد. دوم این که مضامین غالب در سینمای جنگ ایران، براساس نگرش انقلابی شکل گرفته که برخاسته از دیدگاه مذهبی و نگرش‌های ملی‌گرایانه است و مؤلفه‌های بنیادین آن را شهادت، مظلومیت، حق‌طلبی، مقاومت و ایثار تشکیل داده است (اشرفی، ۱۳۹۶). همه این مؤلفه‌ها یا روحیات جز یک مورد (مظلومیت) نوعی امید را در سینمای آن روزگار و در واقع جامعه نشان می‌دهند. عموم جامعه نیز به این مهم اذعان دارند، برای نمونه در تاریخ ۱۸ دی ۱۴۰۱، خبرگزاری برخط همشهری نوشت: ”احساس آرامش، عشق و امید عنصری است که در فیلم‌های دهه ۶۰ به کرات دیده می‌شود.“ در دیگر دهه‌ها، برخلاف نام آن‌ها که در بخش (۲-۴) ذکر شد، این میزان افزایش ناامیدی قابل توجیح نیست. اما، از دیدگاه مسائل اجتماعی و سیاسی، از قبیل مشکلات اقتصادی و فرهنگی (همچون تجمل‌گرایی و غیره)، تحریم، افزایش اختلاف طبقاتی و موارد دیگر این افزایش ناامیدی دور از ذهن نیست.

در مورد الگوی شناختی ناامیدی براساس استعاره‌های مفهومی می‌توان اظهار داشت که با بهره‌گیری از بسامد وقوع استعاره‌های ناامیدی فیلم‌های سینمایی از زیاد به کم، «ناامیدی» را می‌توان یک احساسی که عبارت است از ناتوانی، عدم دارایی، خرابی، مرگ، ناخوشی، سکون، از دست دادن مالکیت، اسارت، تنهایی، رنگ سیاه، سوختن، بی‌پناهی، پایان، پیری، جهت پایین، شیء، حیوان، اشک، سرما، اسم خاص، ناعلاجی، جهت عقب، باختن و تلخی، تعریف کرد.

به همین صورت، «امید» را براساس استعاره‌های امید مستخرج از فیلم‌های سینمایی، براساس بسامد وقوع آن‌ها از مقدار بیشتر به کمتر، می‌توان یک احساس پویایی، شیء، دارایی، سلامتی، عدم تنهایی، پناه، دارو، زندگی، بالا، توانایی، آزادی، نور، جهت جلو، تنفس، جوانی، شروع، پیروزی و بیداری دانست. علاوه بر این، براساس ساخت‌های زبانی امید مستخرج از فیلم‌های سینمایی، امید عبارت است از: تکیه به خداوند برای حادث شدن اتفاقی، خود اراده به انجام کاری را داشتن (که تقریباً برابر با مفهوم پویایی در استعاره‌های امید است) و تکیه به موجودی دیگر برای رخدادی.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، برای اولین بار از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی سیر تحول ناامیدی و امید را در جامعه ایران از دهه ۵۰ تا ۹۰ شمسی، براساس فیلم‌های پر فروش سینمایی هر دهه، از هر دهه شش فیلم و در مجموع سی فیلم سینمایی، مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به بسامد وقوع استعاره‌ها و ساخت‌های ناامیدی و امید موجود در هر دهه، مشخص شد که جامعه ایران از دهه ۵۰ تا ۹۰ با شدت بسیاری ناامیدی را تجربه کرده است. تنها تناقضی که مشاهده می‌شود، کاهش اندکی از میزان ناامیدی در دهه شصت در جامعه، برخلاف وجود پدیده جنگ است. این کاهش اندک طبیعی می‌نماید، زیرا براساس نگرش انقلابی که برخاسته از دیدگاه مذهبی و نگرش‌های ملی‌گرایانه است و مؤلفه‌های بنیادین آن را شهادت، حق‌طلبی، مقاومت و ایثار شکل می‌دهند، وجود امید در جامعه امری عادی است؛ البته، پدیده سانسور در این دهه نیز بر این کاهش ناامیدی بی‌تأثیر نیست. در کل این پنج دهه، الگوی شناختی ایرانیان از «ناامیدی»، «ناتوانی» و در مقابل از «امید»، «پویایی» و «تکیه به خداوند» است. به این معنا که ایرانیان ناامیدی و امید را بیشتر با این مفاهیم عینی‌تر مفهوم‌سازی می‌کنند.

منابع

- ارجمندنیاء، علی‌اکبر؛ خانجانی، مهدی و محمودی، مریم. (۱۳۹۱). *امید و امیدواری: نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌های ارتقا در دانشجویان*. تهران: دفتر مطالعات فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

- اشرفی، محمود (۱۳۹۶). بررسی مضامین غالب در سینمای جنگ ایران: مطالعه موردی آثار تولید شده در دهه شصت. تهران: کافل.
- ایرانزاده، نعمت‌الله و عرش‌اکمل، شهناز (۱۳۹۸). «برساخت‌های اندیشگانی دوگانه امید و ناامیدی در نسبت با تحولات اجتماعی در رمان «یکلیا و تنهایی او»». پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۵۵: ۱۲۷-۱۵۳.
- چوبک، صادق (۱۳۹۵). *انتری که لوطیش مرده بود*. تهران: انتشارات جاویدان.
- حیدری، محمدعلی (۱۳۹۵). *سینمای دهه شصت ایران از نگاه منتقدان*. تهران: روزنه.
- راسخ‌مهند، محمد؛ ایزدی‌فر، راحله؛ علیزاده صحرائی، مجتبی (۱۳۹۵). *بررسی میزان خشونت در زبان فارسی*. طرح پژوهشی، ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی، تهران، ایران.
- قانع‌راد، محمدامین (۱۳۹۶). *امید اجتماعی به مثابه وجدان جمعی*. نخستین همایش امید اجتماعی در ایران، ۸ اسفند ۱۳۹۶، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- قبادی، حسینعلی و کلاهیچیان، فاطمه (۱۳۸۶). «تحلیل امید و یأس در اندیشه و داستان‌پردازی مولوی». *جستارهای زبانی*، ۴ (۱۷): ۱۴۹-۱۷۴.
- قوام، ابوالقاسم و هاشمی، زهره (۱۳۹۱). «امید و ناامیدی در بوف کور: تحلیل مفاهیم انتزاعی بوف کور براساس نظریه استعاره مفهومی». *جستارهای زبانی*، ۵ (۲۰): ۱۴۳-۱۷۰.
- کووچش، زلتن (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه شیرین پوراابراهیم. تهران: سمت.
- مشکین فام، مهرداد (۱۳۹۹). *دستوری‌شدگی حرف تعریف نامعین فارسی براساس دستور ساختی*. رساله دکتری، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.
- مشکین فام، مهرداد و نغزگوی کهن، مهرداد (۱۴۰۱). «ساخت‌های نامعین کاربردی در فارسی معاصر». *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۷ (۳۴): ۶۱-۸۶.
- ناصری، ناصر و قریشی، مهری (۱۳۹۲). «تجلی یأس و امید در شعر سیاوش کسرای». *بهارستان سخن*، ۹ (۲۱): ۳۷-۵۶.
- نوریان، بیتا (۱۳۹۹). «تحلیل طحوااره‌های شناختی غم و امید در اشعار فریدون مشیری». *مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، ۱۰ (۳۴): ۱۰۹-۱۲۲.
- هدایت، صادق (۱۳۳۰). *حاجی آقا*. تهران: انتشارات جاویدان.
- Akhtar, S. (2015). *Hopelessness: Developmental, Cultural, and Clinical Realms*. London: Karnac Books.
- Akhtar, S. (2017). *A Web of Sorrow: Mistrust, Jealousy, Lovelessness, Shamelessness, Regret, and Hopelessness*. London: Karnac Books.
- Barnett, M. D. (2014). "Future orientation and health among older adults: The importance of hope". *Educational Gerontology*, 40(10): 745-755.
- Beck, A. T., Weissman, A., Lester, D., & Trexler, L. (1974). "The measurement of pessimism: The Hopelessness Scale". *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42(6): 861-865.

- Beck, A. X, Kovacs, M., & Weissman, A. (1975). "Hopelessness and suicidal behavior: An overview". *Journal of the American Medical Association*, 234: 1146-1149.
- Booij, G. (2010). *Construction Morphology*. Oxford and New York: Oxford University Press.
- Bronk, K. C., Hill, P. L., Lapsley, D. K., Talib, T. L., & Finch, H. (2009). "Purpose, hope, and life satisfaction in three age groups". *Journal of Positive Psychology*, 4 (6): 500-510.
- Cairns, D (2020). *Hope in archaic and classical Greek*. In: C. Blöser and T. Stahl (eds), *The Moral Psychology of Hope*, 15-36, Lanham MD: Rowman and Littlefield.
- Croft, W. (2001). *Radical construction grammar: Syntactic theory in typological perspective*. Oxford: Oxford University Press.
- Feldman, D. B., & Snyder, C. R. (2005). "Hope and the meaningful life: Theoretical and empirical associations between goal-directed thinking and life meaning". *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24 (3): 401-421.
- Fergusson, D. M., Beautrais, A. L., & Horwood, L. J. (2003). "Vulnerability and resiliency to suicidal behaviours in young people". *Psychological Medicine*, 33: 61-73.
- Fowler, D. R., Weber, E. N., Klappa, S. P., & Miller, S. A. (2017). "Replicating future orientation: Investigating the constructs of hope and optimism and their subscales through replication and expansion". *Personality and Individual Differences*, 116: 22-28.
- Goldberg, A. E. (2006). *Constructions at work: The nature of generalization in language*. Oxford: Oxford University Press.
- Guttman, S. A., Jones R. L., & Parrish, S. M (Eds.). (1980). *The Concordance to the Standard edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud*. Boston, MA: G. K. Hall.
- Heine, B., U. Claudi, and F. Hünemeyer (1991). From Cognition to Grammar: Evidence from African Languages. In: B. Heine and E. C. Traugott (Eds.), *Approaches to Grammaticalization*, 1-2 (Typological Studies in Language 19), Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Hilpert, M. (2008). *Germanic future constructions: A usage-based approach to language change*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
- Hoffmann, T., & Trousdale, G. (2011). "Variation, change and constructions in English". *Cognitive linguistics*, 22: 1-23.
- Hollmann, W. B. (2003). *Synchronic and diachrony of English periphrastic causatives: A diachronic perspective*. PhD dissertation, University of Manchester.
- Hollmann, W. B., & Siewierska, A. (2007). "A construction grammar account of possessive constructions in Lancashire dialect: some advantages and challenges". *English language and linguistics*, 11: 407-424.
- Howell, A. J., & Larsen, D. J. (2015). *Understanding other-oriented hope*. Cham: Springer.
- Jarvie, I.C. (1970). *Towards a Sociology of the Cinema* (ILS 92) (1st ed.). Routledge.
- Joybari, M. M., & Sharifi, N. (2015). "Role of hope and national pride in predicting happiness". *Psychological Research*, 18 (1): 75-88.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and emotion: Language, culture, and body in human feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford and New York: Oxford University Press.

- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford and New York: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2020). Emotion concepts in a new light. *Rivista Italiana di Filosofia del Linguaggio*, SFL- Language and emotions, 42-54.
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire, and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., & M. Johnson. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G., Espenson, J., & Schwarts, A. (1991). *Second draft copy: Master metaphor list*. Berkeley: University of California (Cognitive Linguistics Group).
- Lamis, D. A., & Lester, D. (2013). “Gender differences in risk and protective factors for suicidal ideation among college students”. *Journal of College Student Psychotherapy*, 27(1): 62-77.
- Langacker, R. W. (1987). *Foundations of cognitive grammar*. Volume I: Theoretical prerequisites (Vol. 1). Stanford University Press.
- Langacker, R. W. (2005). “Construction grammars: Cognitive, radical, and less so”. *Cognitive linguistics: Internal dynamics and interdisciplinary interaction*, 32: 101-159.
- Lazarus, R. S. (1991). *Emotion and adaptation*. New York: Oxford University Press.
- Lazarus, R. S. (1999). Hope: An emotion and a vital coping resource against despair. *Social Research*, 66: 653–678.
- Martins, A. R., Crespo, C., Salvador, Á., Santos, S., Carona, C., & Canavarro, M. C. (2018). “Does hope matter? Associations among self-reported hope, anxiety, and health-related quality of life in children and adolescents with cancer”. *Journal of Clinical Psychology in Medical Settings*, 25 (1): 93-103.
- Nolen-Hoeksema, S., & Hilt, L. M. (2009). Gender differences in depression. In I. H. Gotlib & C. L. Hammen (Eds.), *Handbook of depression*, 386–404. New York, NY: The Guilford Press.
- Praggeljaz. (2007). “MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse”. *Metaphor and symbol*, 22 (1): 1-39.
- Quigley, M. T., & Christianson, T. (2008). Hope Research Study: Metaphors and Symbols of Hope (September 26, 2008). Available at:
- Rand, K. L. (2009). “Hope and optimism: Latent structures and influences on grade expectancy and academic performance”. *Journal of Personality*, 77(1): 231-260.
- Rosch, E. (1978). Principles of categorization. In E. Rosch and B.B. Lloyd (eds.), *Cognition and categorization*, 27-48. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Ruiz, J. H. (2007). “Conceptual metaphors in fairy tales. The cases of: acquiescence is swallowing, intelligence is light, a child is hope of change and renewal”, darkness is. *Interlingüística*, (17): 475-482.
- Šarić, L. (2020). “Metaphorical conceptualization of hope (nada) in Croatian: A corpus-based study”. *Journal of Contemporary Philology*, 3 (2): 7-27.
- Shanahan, M. L. (2018). *Hope, Optimism, and Hopelessness: Conceptual Distinctions and Empirical Associations with Suicidal Ideation*. Master of Science thesis, Purdue University, Indianapolis, Indiana.
- Snyder, C. R. (2002). “Hope theory: Rainbows in the mind”. *Psychological Inquiry*, 13 (4): 249–275.

- Snyder, C. R., Harris, C., Anderson, J. R., Holleran, S. A., Irving, L. M., Sigmon, S. T., ... & Harney, P. (1991). "The will and the ways: development and validation of an individual-differences measure of hope". *Journal of personality and social psychology*, 60 (4): 570-585.
SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1274324>.
- Tandon, D. S., & Solomon, B. S. (2009). "Risk and protective factors for depressive symptoms in urban African American adolescents". *Youth and Society*, 41(1): 80-99.
- Tissari, H. (2017). Corpus linguistic approaches to metaphor analysis. In E. Semino, Z. Demjén and M. Park (eds.), *The Routledge handbook of metaphor and language*, 117-130. London: Routledge.
- Troister, T., D'Agata, M. T., & Holden, R. R. (2015). "Suicide risk screening: Comparing the Beck Depression Inventory-II, Beck Hopelessness Scale, and Psychache Scale in undergraduates". *Psychological Assessment*, 27(4): 1500-1506.
- Välimaa-Blum, R. (1993). "Intonation: a distinctive parameter in grammatical constructions". *Phonetica*, 50(2): 124-137.
- Wetzel, R. D., Margulies, T., Davis, R., & Karam, E. (1980). "Hopelessness, depression, and suicide intent". *Journal of Clinical Psychiatry*, 41: 159-160.
- Zhang, W. C., Jia, C. X., Hu, X., Qiu, H. M., & Liu, X. C. (2015). "Beck Hopelessness Scale: Psychometric properties among rural Chinese suicide attempters and non-attempters". *Death Studies*, 39 (7): 442-446.